

گزارش میدانی از افزایش خرید اقلام اساسی و خوراکی با اقساط چندماهه خبر می‌دهد

خریدهای آنلاین و سفره‌های قسطی

میلیون‌ها سفارش ماهانه در پلتفرم‌های آنلاین به صورت خرید اقساطی انجام می‌شود و سوپر مارکت‌های محلی ناچار به همراهی شده‌اند

صفحه ۶



اسم این پنج مربی جوان را به خاطر بسپارید

ژولیان ناگلزمن در لیگ برتر ایران!

صفحه ۷



نشست ژنو و فعال شدن مکانیسم ماشه

معمای هسته‌ای ایران

تهران و روسیه روی مکانیسم ماشه پلی از زمان خواهند زد؟

صفحه ۳

درگیری دو همسایه منجر به قتل زوج جوان شد

کودک شاهد

قتل پدر و مادرش بود

متهم درگیری‌های مربوط به ساختمان مسکونی

را عامل رقم زدن جنایت عنوان کرد

صفحه ۷

شهر تی که خواهران نواب ساختند و به قیصر رسید

حمام نواب

فرهنگ ساز آجری تهران

صفحه ۶

گزارش

چالش‌های شهری و راهکارهای شهرداری در گفت‌وگو با عضو شورای شهر تهران

قامت خمیده پایتخت زیرمشکل ترافیکی



حمیدرضا خالقی
هفت صبح

تهران به همان نسبت که وسعت و جمعیتی به اندازه یک کشور دارد، مشکلات ریز و درشت زیادی هم دارد. از ترافیک و آلودگی هوا تا کمبود آب شرب، از زلزله‌خیزی و غیرمقاوم بودن ساختمان‌ها تا وضعیت ترافیکی و مشکلات متعدد دیگر همچون فرونشست زمین و...

گزارش زیر نیم‌نگاهی است به آخرین وضعیت این چالش‌ها و راهکارهای مدیران اجرایی و تصمیم‌گیری شهری که در صحبت با «سیدمحمد آقامیری» عضو شورای اسلامی شهر تهران و رئیس کمیته عمران و زیرساخت شورا درباره آنها به بحث نشستیم.

در انتظار تصویب طرح فرونشست

نخستین مشکل تهران، فرونشست به خصوص در مناطق ۱۵ تا ۲۱ این کلانشهر است. عضو شورای شهر در این باره توضیح می‌دهد:

فرونشست پدیده‌ای جهانی است و در تهران هم فرونشست زمین بیشتر به خاطر شبکه فاضلاب است و اینکه این شبکه دیگر اجازه نمی‌دهد که آب به زمین تزریق شود. معتقدم راه حل رفع مشکل فرونشست تزریق آب به زمین است. امروز مناطق جنوب غرب تهران از جمله مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ بیشترین آسیب را از فرونشست دیده‌اند و علت این وضعیت به برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی و نبود جایگزینی مناسب برای آنها برمی‌گردد. حتی برای اینکه آب به زمین تزریق شود بهتر است بخشی از سیستم فاضلاب شهری را تخریب کنیم.

بسیاری از کشورهای جهان مثل ژاپن که زمانی سالانه ۲۴ سانتی‌متر فرونشست داشتند، موفق شدند با انجام کارهایی مانند بستن چاه‌ها و تزریق مصنوعی آب به زمین، این رقم را در یک دوره ۱۰ ساله به کمتر از چهار سانتی‌متر برسانند.

هر ساله میلیون‌ها مترمکعب آب از طریق سدها، وارد پایتخت می‌شود. در سال‌های نه چندان دور، تهران «شهر هزار قنات» نامیده می‌شد چون دارای چاه‌های جذبی بود و آب وارد سفره‌های زیرزمینی می‌شد اما امروز تعداد چاه‌های آن به حدود ۷۰ قنات فعال رسیده است. در عین حال با وجود شبکه فاضلاب، آب سدها وارد این شبکه شده و دفع می‌شود و همین امر باعث شده تا فرونشست در برخی مناطق مانند منطقه ۱۸ به حدود ۲۰ سانتیمتر در سال برسد.

طرح ملی مقابله با فرونشست تدوین شده و در

شورای عالی تصویب و به مجلس ارسال شده که در صورت تصویب، برنامه‌ای ۱۰ ساله با تقسیم دقیق وظایف سازمان‌ها از جمله شهرداری‌ها اجرا خواهد شد. اگر طرح فرونشست تصویب و اجرایی شود، طی ۱۰ سال بعد، میزان فرونشست به حداقل خواهد رسید ضمن آنکه سه سال بعد از آغاز اجرای آن، آب به چاه‌ها بازمی‌گردد.

شهری که آماده زلزله نیست

آقامیری درباره تهدید همیشگی تهران از ناحیه زمین‌لرزه هم می‌گوید: تهران به هیچ عنوان آمادگی برای مواجهه با زلزله‌های بالای ۶ ریشتر را ندارد اما به دنبال آن هستیم تا از این پس ساختمان‌هایی که ساخته می‌شود در برابر زلزله مقاوم باشد. اگر در شرایط فعلی، زلزله رخ دهد، فاجعه اتفاقی می‌افتد چون تأسیسات آب و گاز شهر برای زلزله آماده نیستند. باین حال سیستم‌های هشداری نصب شده که به دستگاه‌های مرتبط ۷ ثانیه قبل خبر می‌دهند تا آب و گاز و برق و... قطع شود.

پل‌هایی که مخاطره‌سازند

موضوع نوسازی زیرساخت‌های شهری، محور بعدی سخنان عضو پارلمان شهری تهران است. او می‌گوید: ۸۶۴ پل در سطح شهر تهران داریم که از این تعداد، ۶۶ پل با ریسک فنی بالا در اولویت نخست مقاوم‌سازی و بهسازی لرزه‌ای قرار گرفته‌اند و پایان اسسال ۵۱ پل مقاوم‌سازی خواهند شد. در کنار مقاوم‌سازی پل‌ها، نوسازی و تعمیر پل‌برقی‌های نیز در حال انجام است. در تهران ۱۰۷ پل برقی داریم که در زمان تحویل آنها به مدیریت شهری کنونی ۸۰ درصد آنها خراب بودند که این رقم حالا به ۱۰ تا ۱۵ درصد رسیده که آنها هم در دست تعمیر هستند. پل‌برقی‌هایی که در فضای باز هستند به خاطر آنکه در معرض عواملی مانند بارش باران و فرسایش محیطی، پشت سرهم دچار نقص فنی و خرابی می‌شوند. در همین خصوص بد نیست که بدانید مطابق گزارش‌ها سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان صرف نگهداشت این پل‌برقی‌ها می‌شود.

بازسازی منازل آسیب‌دیده در جنگ

در جریان جنگ اخیر، ۸۴۱۱ واحد مسکونی در ۱۹ منطقه پایتخت دچار آسیب شدند که بیش از ۴۰ درصد آنها در منطقه ۴ قرار دارند. به گفته آقامیری، شهرداری از همان روزهای نخست بازسازی را آغاز کرد و واحدها را در چهار گروه تقسیم‌بندی

یادداشت

روایت دکمه‌هایی از الماس و زمرد بر لباس پادشاه هخامنشیان

ردای زرین کوروش در پاسارگاد

هخامنشیان که موزه‌ای زنده از شیوه معماری و هنر در آغاز دوره امپراتوری ایران است. در کاخ اختصاصی، ترکیب سنگ‌های سپید و سیاه و استفاده از حجاری‌های ظریف، نشان می‌دهد که چگونه هنرمندان زمان کوروش کوشیده‌اند فراتر از کار کرد یک بنای مسکونی، تصویری از عظمت شاهنشاهی بسازند. این کاخ به شکل حرف H طراحی شده و چنین الگویی در معماری باستانی ایران کم‌نظیر است؛ الگویی که هم کار کرد اقامتگاه سلطنتی را برآورده می‌کرد و هم نوعی نماد قدرت و سامان یافتگی به‌شمار می‌آمد.

زندگی و حیات در معماری کاخ‌ها

از سوی دیگر، کاخ اختصاصی کوروش تنها بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر است که دربرگیرنده باغ‌های سلطنتی، کاخ‌های درباری و آرامگاه اوست. ارتباط فضایی میان آرامگاه و این کاخ، نوعی گفت‌وگوی نمادین میان مرگ و زندگی را رقم می‌زند: آرامگاه برای جاودانگی و کاخ برای حیات روزمره و حکمرانی. چنین پیوندی باعث شده است که محققان، پاسارگاد را نه صرفاً مکانی تاریخی بلکه «پنجاهای سنگی» درباره فلسفه پادشاهی کوروش بدانند. جزئیات ظاهرا کوچک مثل دکمه‌های طلایی یا جای نگین‌های رنگین، نشانه‌ای از این اندیشه‌اند. چرا که برای کوروش، شکوه ظاهری صرفاً نمایش قدرت نبود، بلکه نوعی مشروعیت‌بخشی هنری و فرهنگی به فرمانروایی به شمار می‌رفت. اگر چه امروز تنها سوراخ‌های خالی از آن تزیینات باقی مانده، همین نشانه‌های ناقص هم می‌توانند مخاطب را به تخیل وادارند و عظمت گمشده‌ای را بازسازی کنند.

کار دشوار مرمتگران

مرمتگران نیز امروز در برابر پرسشی مشابه قرار دارند: چگونه می‌توان بدون افزودن چیزی غیراصیل، شکوه اولیه بنا را حفظ کرد؟ انتخاب ملات‌های آهکی و طراحی سایه‌بان‌های نیمه‌شفاف، پاسخی به همین پرسش است؛ تلاشی برای حفظ اصالت و در عین حال حفاظت. این کار البته به چرخه‌ای مداوم از مراقبت و بازسازی نیاز دارد. همان‌طور که حسینی می‌گوید، «هر بهار و پاییز باید لایه‌های تازه‌ای جایگزین شود؛ گویی پاسارگاد هم مثل موجودی زنده، به مراقبت پیوسته نیاز دارد.» ایستادن در برابر درگاه‌های کاخ اختصاصی و نگاه به چهره محوشده شاه و خدمتکارش، احساسی دوگانه برمی‌انگیزد: از یک سو غرور از میراثی که هنوز هم جهانیان را به تحسین وامی‌دارد و از سوی دیگر اندوه برای آنچه زمان و غفلت انسان‌ها از میان برده‌است. پاسارگاد یادآور این واقعیت است که تاریخ اگر چه در سنگ حک می‌شود، اما برای بقا نیازمند دستان مراقب نسل‌های بعدی است.



آفتاب دشمن آثار باستانی

تابش مستقیم آفتاب در سال‌های اخیر بر شدت آسیب‌ها افزوده بود. به همین دلیل، تیم مرمت سایه‌بان‌هایی طراحی کرد که با ورق‌های پلی‌کربنات نور و حرارت را کنترل می‌کنند، بی‌آنکه بنا را در تاریکی فروبرند.

حسینی می‌گوید: «یک سال زمان برد تا ترکیب مناسب مصالح شناسایی شود و از میان ۱۳ نوع آهک وارداتی تنها یک مدل توانست نیاز مرمت را برآورده کند. آن هم با عمر مفید پنج‌ساله.» به همین خاطر، کف و دیوارهای این کاخ در فصل‌های بهار و پاییز دوباره جمع‌آوری و اندود می‌شوند؛ تلاشی پیوسته برای زنده نگه‌داشتن بخشی از شکوه نخستین پایتخت هخامنشی.

کاخ بی شکل H

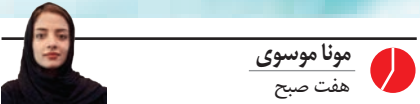
پاسارگاد نه تنها نخستین پایتخت



بدون اعتماد، هر رشد موقت در تالار شیشه‌ای فرصتی برای فرار از این بازار فراهم می‌کند

بازار سرمایه؛ ارزنده‌امابی صاحب

کارشناسان می‌گویند تنها یک «سوپر خبر» واقعی می‌تواند بورس را از ر خوت بیرون بکشد



مونا موسوی
هفت صبح

بازار سرمایه در هفته گذشته به ظاهر به تعادل نسبی رسید اما این تعادل نه حاصل ورود پول جدید، بلکه نتیجه رفتار ساختگی حقوقی‌ها بود که با ایجاد صف‌های خرید ساختگی و فیک، تلاش کردند سهام خود را در قیمت‌های بالاتر به فروش برسانند. این رفتار نشان دهنده ادامه روند خروج پول از بازار است؛ پولی که نه تنها وارد نمی‌شود، بلکه به دلیل عدم اخبار مثبت، انگیزه‌ای برای ماندن ندارد. بازار به‌وضوح دچار نوعی بی‌تفاوتی شده؛ گویی به‌اخبار سیاسی و اقتصادی فقط زل می‌زند و هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. این بی‌تفاوتی، نشانه‌ای از افسردگی عمیق بازار است؛ افسردگی‌ای که با یادآوری سالروز ریزش تاریخی سال ۹۹، تلخی آن دوچندان شد.

در فضایی که بازار سرمایه در گیر بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی و فشارهای سیاسی و اقتصادی است، پرسش مهمی که ذهن بسیاری از فعالان بازار را درگیر کرده این است که در این شرایط می‌توان به مثبت‌های بورس اعتماد کرد؟ آیا هر رشد شاخص یا صف خریدی نشانه‌ای از بازگشت روند صعودی است یا تنها یک موج ساختگی دیگر برای خروج حقوقی‌ها؟

«شهسپهر محمدنیا» در گفت‌وگو با هفت صبح با اشاره به اینکه همچنان ریسک سیستماتیک در بازار وجود دارد، گفت: بازار از نظر تکنیکال و بنیادی در موقعیت ارزنده‌ای قرار دارد اما در چنین فضایی، بازار به یک «سوپر خبر» نیاز دارد؛ خبری که بتواند شوک مثبت ایجاد کند و بازار را از این ر خوت خارج کند. آنچه امروز شاهدش هستیم، رگباری از اخبار متناقض سیاسی است؛ از یک سو صحبت‌های عراقچی که برخی آن را هشدار آمیز و نشانه‌ای از احتمال فشارهای جدید می‌دانند و از سوی دیگر آمادگی برای مذاکره با اروپا. این تضاد در برداشته‌ها، بازار را در حالت بلاتکلیفی

نگه داشته و باعث شده جریان نقدینگی همچنان در سنگر امن اوراق با نرخ‌های بالا باقی بماند. وی افزود: کنار تحولات سیاسی، بازار با زم‌مه‌هایی از تصمیمات اقتصادی نیز مواجه بود. ناترازی‌های ساختاری و فشارهای بودجه‌ای به نقطه‌ای رسیده‌اند که دیگر ادامه مسیر با فرمان فعلی ممکن نیست. برخی تحلیلگران معتقدند تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، اجرای یک جراحی اقتصادی تمام‌عیار است؛ جراحی‌ای که شامل کنترل نرخ ارز، اصلاح نظام پارانه‌ها و بازنگری در سیاست‌های سوختی باشد اما چنین اصلاحاتی تنها در فضای آرام سیاسی امکان‌پذیر است و در شرایط نیمه‌جنگی فعلی، بعید به نظر می‌رسد دولت جسارت اجرای آن را داشته باشد.

سبز پوشی بورس و فرصتی برای فرار

محدنیا با تأکید بر اینکه سبز شدن بورس با این ابهامات نوعی فرصت خروج تلقی می‌شود، گفت: بازار سرمایه در این روزها، شباهت‌هایی با بحران سال ۹۹ دارد اما تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد. در آن مقطع، بحران اصلی عدم ارزندگی بود؛ قیمت‌ها نجومی و غیرمنطقی بودند و اصلاح اجتناب‌ناپذیر بود و تازه‌واردها در صف خرید از حقوقی‌ها می‌خریدند اما امروز، همه به ارزندگی تاریخی قیمت‌ها اذعان دارند. بحران فعلی، بحران اعتماد و عقلانیت است؛ بازار دچار



نوعی فلج فکری شده و حتی با وجود ارزندگی، توان تصمیم‌گیری منطقی را از دست داده است. دولت نیز با انبوهی از مشکلات اقتصادی مواجه است و بورس در اولویت‌های آن کم شده است. بنابراین حقوقی‌ها در این موقعیت می‌فروشند تا در قیمت‌های پایین‌تر بخرند. وی تأکید کرد: مرور بحران‌های اخیر نشان می‌دهد که دولت‌ها نه تنها عامل ایجاد بحران بوده‌اند، بلکه در مدیریت پس از بحران نیز ناکام مانده‌اند. وعده‌های سیاسی، شعارهای حمایتی و اظهارات رسانه‌ای هیچ‌گاه به اقدامات عملی منجر نشده‌اند. تنها منجر شده موقتی مثبت شود و عده‌ای پول‌های خود را نقد کنند.

بازار؛ نیازمند اعتماد و شفافیت

این کارشناس تصریح کرد: بازار سرمایه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت اعتماد و سیاست‌گذاری شفاف است اما تا زمانی که فضای سیاسی و اقتصادی کشور در حالت التهاب باقی بماند، نمی‌توان انتظار داشت که بازار سرمایه به تنهایی مسیر رشد و بازگشت را طی کند. این روزها، بیش از هر چیز باید درس گرفت؛ درسی از اعتماد بی‌جا، وعده‌های بی‌پشتوانه و سیاست‌هایی که نه تنها حمایت نکردند، بلکه بحران آفریدند.

بازاری ارزنده ولی مشروط به اما و اگرها

«علیرضا سادات» کارشناس بورس نیز در گفت‌وگو با هفت صبح گفت: پاسخ به اینکه آیا بورس اکنون ارزنده است نیازمند بررسی چند مولفه کلیدی است. نخستین شرط اعتماد به مثبت‌های بازار، شکل‌گیری رشد بر پایه ورود پول حقیقی و نه صرفاً بازی‌های حقوقی است. زمانی می‌توان به سبز پوشی بازار دل بست که حجم معاملات بالا رود، ارزش معاملات خرد افزایش یابد و جریان نقدینگی از سمت سرمایه‌گذاران حقیقی به سمت بازار حرکت کند. رشدهایی که صرفاً با چند نماد بزرگ و تحت حمایت حقوقی‌ها شکل می‌گیرند، معمولاً دوام ندارند و بیشتر شبیه سراب‌اند تا واقعیت. وی افزود: دومین شرط، همراهی اخبار بنیادی مثبت

عقلانیت و منطق به رفتار معامله‌گران است. بازار زمانی می‌تواند رشد پایدار داشته باشد که فعالان آن با تحلیل، منطق و استراتژی وارد شوند، نه با هیجان و موج‌سواری. آموزش، تحلیل بنیادی، شناخت رفتار جمعی و استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک، همه عواملی هستند که می‌توانند به شکل‌گیری یک روند مثبت قابل اعتماد کمک کنند. وی ادامه داد: بنابراین، مثبت‌های بازار زمانی قابل اعتمادند که حاصل یک هم‌افزایی واقعی میان نقدینگی حقیقی، اخبار بنیادی مثبت، آرامش سیاسی، اصلاحات ساختاری و رفتار منطقی معامله‌گران باشند. در غیر این صورت، هر رشد ناگهانی می‌تواند تنها یک فرصت خروج برای بازیگران بزرگ باشد و نه نشانه‌ای از آغاز یک روند صعودی پایدار. بازار سرمایه ایران، بیش از هر چیز، نیازمند بازگشت اعتماد است؛ اعتمادی که نه با شعار، بلکه با اصلاحات واقعی، شفافیت و عقلانیت بازمی‌گردد.

خریداران محتاط؛ فروشندگان بی‌باک

این تحلیلگر بازار سرمایه گفت: در شرایط فعلی بازار سرمایه، هرچند نشانه‌هایی از تعادل نسبی و بازگشت خریداران دیده می‌شود اما این تعادل بیشتر شبیه یک آرامش سطحی است تا یک روند پایدار و قابل اعتماد. پس از موج‌های سنگین فروش که بسیاری از سهامداران حقیقی و حقوقی از بازار خارج شدند،

با رشد قیمت‌هاست. اگر رشد بازار هم‌زمان با انتشار گزارش‌های مالی قوی، افزایش سودآوری شرکت‌ها، برنامه‌های افزایش سرمایه و توسعه فعالیت‌های تولیدی باشد، می‌توان آن را نشانه‌ای از بهبود واقعی دانست. به‌ویژه در صنایع بزرگ مانند فلزات، پتروشیمی، بانک‌ها و خودروسازی، انتشار اخبار مثبت می‌تواند نقش محرک واقعی را ایفا کند. سادات تصریح کرد: سومین شرط، ثبات نسبی در فضای سیاسی و اقتصادی کشور است. بازار سرمایه به‌شدت از تحولات سیاسی تأثیر می‌پذیرد و در شرایطی که اخبار جنگ، تحریم یا تنش‌های دیپلماتیک بر فضای عمومی سایه افکنده‌اند، هر گونه رشد بازار شکننده و ناپایدار خواهد بود. تنها در صورتی که نشانه‌هایی از کاهش تنش‌ها، آغاز مذاکرات جدی و بازگشت آرامش سیاسی دیده شود، می‌توان انتظار داشت که بازار واکنش مثبت پایدارتری نشان دهد.

وی ادامه داد: چهارمین شرط، اصلاح سیاست‌های دستوری و مداخلات غیرمنطقی دولت در بازار است. تجربه نشان داده که حمایت‌های دستوری، مانند خرید سهام در قیمت‌های بالا یا محدود کردن دامنه نوسان، نه تنها اعتماد را بازمی‌گرداند بلکه باعث فرار بیشتر سرمایه‌گذاران می‌شود. اعتماد واقعی زمانی بازمی‌گردد که دولت با اصلاح ساختارهای ناکارآمد، حذف قیمت‌گذاری‌های دستوری در صنایع مادر و ایجاد فضای رقابتی، زمینه را برای رشد طبیعی بازار فراهم کند. سادات گفت: در نهایت، پنجمین شرط، بازگشت



علیرضا سادات با اشاره به نوسان ارزش معاملات در محدوده ۵ هزار میلیارد تومان، تأکید می‌کند که رشد اخیر برخی نمادها، به‌ویژه در گروه بانکی، بیشتر حاصل هیجان ناشی از شایعات مذاکرات FATF و هسته‌ای بوده تا تحلیل‌های بنیادی. نبود نقدینگی در بازارهای موازی و ضعف تقاضا در بورس، مانع از شکل‌گیری روند صعودی پایدار شده است. بازار همچنان نیازمند اعتمادسازی واقعی، شفافیت اطلاعات و بازگشت عقلانیت به رفتار معامله‌گران است

قیمت‌ها در بسیاری از نمادها اصلاح قابل توجهی را تجربه کردند. این اصلاح‌ها باعث شد بازار به وضعیت اشباع فروش برسد و با انتشار چند خبر مثبت درباره احتمال مذاکرات، برخی خریداران محتاطانه به بازار بازگردند اما این بازگشت نه تنها فراگیر نبود، بلکه ارزش معاملات همچنان پایین باقی ماند و در محدوده‌ای حدود ۵ هزار میلیارد تومان نوسان کرد؛ عددی که نشان می‌دهد ورود نقدینگی جدید هنوز اتفاق نیفتاده و بازار همچنان با کمبود پول مواجه است.

سادات تأکید کرد: در چنین فضایی، رشد برخی نمادها به‌ویژه در گروه بانکی، بیشتر حاصل هیجان ناشی از شایعات مذاکرات FATF و هسته‌ای بود تا تحلیل‌های بنیادی. هرچند برخی بانک‌های عملیات‌محور به محدوده‌های جذاب ارزندگی رسیده‌اند و در صورت ثبات اقتصادی می‌توانند بازدهی مناسبی داشته باشند اما بخش عمده‌ای از تقاضای بورس متوجه نمادهایی شده که حتی از نظر عملیاتی نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. این رفتار نشان می‌دهد که بازار هنوز درگیر موج‌های هیجانی و واکنش‌های کوتاه‌مدت به اخبار است، نه تصمیم‌گیری‌های منطقی و بلندمدت.

وجود بازارهای موازی و جذاب در کشور

این کارشناس گفت: از سوی دیگر، نبود پول در بازارهای موازی و کنترل رشد نقدینگی باعث شده تقاضا در بازار سرمایه نیز ضعیف باشد. این ضعف تقاضا نه تنها مانع از شکل‌گیری روند صعودی پایدار می‌شود، بلکه باعث شده بازارهای ارز و طلا نیز در فاز استراحت شوند. رشد این بازارها نیازمند محرک‌های قوی‌تری است که فعلاً در فضای اقتصادی و سیاسی کشور دیده نمی‌شود. وی اظهار داشت: بنابراین معاملات متعادل فعلی را نمی‌توان نشانه‌ای از بازگشت اعتماد یا آغاز یک روند صعودی دانست. تا زمانی که ورود نقدینگی حقیقی، شفافیت اطلاعات، ثبات سیاسی و اصلاحات ساختاری در اقتصاد رخ ندهد، هر گونه رشد بازار بیشتر شبیه یک نوسان موقت است تا یک حرکت بنیادین. بازار سرمایه در این موقعیت، بیش از هر چیز نیازمند اعتمادسازی واقعی و بازگشت عقلانیت به رفتار معامله‌گران و سیاست‌گذاران است.

با وجود ارزندگی تکنیکال و بنیادی بازار، شهسپهر محمدنیا تأکید می‌کند که بورس برای خروج از رکود به یک «سوپر خبر» نیاز دارد. تضاد در اخبار سیاسی از هشدارهای عراقچی تا اعلام آمادگی برای مذاکره با اروپا بازار را در حالت بلاتکلیفی نگه داشته است. در چنین شرایطی، نقدینگی همچنان در سنگر امن اوراق با نرخ‌های بالا باقی مانده و اصلاحات اقتصادی نیز به دلیل فضای نیمه‌جنگی سیاسی، بعید به نظر می‌رسد

گزارش

از سامانه بازارگاه تا ترخیص ۸۳۶ هزار تن برنج از گمرکات کشور

برنج با وعده پخته نمی‌شود

کارگزاران قول تأمین دادند اما افزایش قیمت ادامه دارد

برنج در ایران تنها یک ماده غذایی نیست؛ این دانه سفید، هم‌تراز با نان، قوت غالب میلیون‌ها ایرانی و ستون اصلی سفره‌های خانوار است و به‌عنوان کالای استراتژیک نه فقط نقشی کلیدی در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا می‌کند، بلکه هویت فرهنگی و اجتماعی ایرانیان را نیز نمایندگی می‌کند. برنج از مراسم سنتی و گوناگون در عزا و عروسی، تا وعده‌های روزانه، جایگاهی بی‌پدیل در زندگی مردم دارد. اما افزایش سرسام‌آور قیمت این محصول، از ۳۰ هزار تومان برای بهترین برنج کشت دوم ایرانی در سال ۱۳۹۶ به حدود ۳۰۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۴، رشدی ۱۰۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. این جهش قیمتی، فشار سنگینی بر بودجه خانوارها وارد کرده و دسترسی به این کالای حیاتی را برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار ساخته است. وقتی هزینه تأمین قوت غالب ده برابر می‌شود، سفره‌های مردم کوچک‌تر، انتخاب‌های غذایی محدودتر و نگرانی‌ها درباره امنیت غذایی عمیق‌تر می‌شود. این افزایش قیمت نه تنها اقتصاد خانوار را تحت تأثیر قرار داده، بلکه به چالشی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده که باید بین حمایت از تولید داخلی، مدیریت واردات و حفظ قدرت خرید مردم تعادل برقرار کنند.

ناکارآمدی ارز ترجیحی در بازار برنج

بازار برنج ایران در ماه‌های اخیر با چالش‌هایی جدی مواجه شده است. از یک سو، تخصیص ارز ترجیحی برای واردات این کالای اساسی نتوانسته به هدف اصلی خود یعنی رساندن برنج ارزان به دست مصرف‌کنندگان منجر شود و از سوی دیگر، مشکلات شبکه توزیع، دسترسی خانوارها به این محصول را دشوار کرده است. سیستم تخصیص ارز ترجیحی برای واردات برنج، که با هدف

غیر واقعی که صرفاً برای بهرمنندی از رانست وارداتی فعالیت می‌کنند، منجر شود. این اقدام فضا را برای فعالیت واردکنندگان حرفه‌ای هموار کرده و رقابت سالم‌تری را در بازار رقم می‌زند. اما حذف ارز ترجیحی طی سال‌های اخیر فقط به افزایش قیمت‌ها انجامیده و تجربه شکست خورده‌ای به نظر می‌رسد زیرا وقتی نرخ تورم افزایشی باشد حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت در عمل به فاجعه می‌انجامد.

شفافیت در توزیع

دولت تصمیم گرفته است از نیمه شهریور عرضه برنج وارداتی را از طریق سامانه بازارگاه انجام دهد. این اقدام می‌تواند به شفافیت بیشتر در فرآیند توزیع کمک کند و اتهاماتی مانند گران‌فروشی یا صدور فاکتورهای غیر واقعی را کاهش دهد. با این حال، تعدد سامانه‌های موازی مانند سامانه جامع تجارت ایران، خود به چالشی جدید تبدیل شده است. فعالان بازار پیشنهاد می‌کنند که ایجاد یک پنجره واحد برای مدیریت زنجیره تأمین و توزیع می‌تواند کارآمدی فرآیندها را به طور چشمگیری افزایش دهد. در حوزه برنج ایرانی نیز، ثبت فرآیندهای تولید و توزیع در سامانه‌های شفاف می‌تواند به کاهش تخلفات و ثبات قیمت‌ها کمک کند. این اقدام نه تنها به نفع مصرف‌کنندگان است، بلکه تولیدکنندگان و خرده‌فروشان را نیز از فشارهای ناشی از نوسانات بازار محافظت می‌کند.

افزایش ترخیص برنج در سال جاری

آمارها نشان می‌دهد که در پنج ماه نخست سال جاری، حدود ۸۳۶ هزار تن برنج به ارزش بیش از ۹۰۰ میلیون دلار از گمرکات کشور



حذف یا به حداقل رسانده‌اند. حتی نان، که به‌عنوان قوت غالب و پایه‌ای‌ترین غذای ایرانیان شناخته می‌شود، از این گرانی‌ها مصون نمانده و افزایش هزینه‌های تولید، قیمت آن را به طور چشمگیری بالا برده است.

تأثیر گرانی بر سلامت و تغذیه

این افزایش قیمت‌های سرسام‌آور، رژیم غذایی ایرانیان را به شدت تحت فشار قرار داده است. وقتی هزینه تأمین مواد غذایی اصلی مانند برنج، نان، گوشت و لبنیات چندین برابر می‌شود، خانوارها مجبور به کاهش مصرف یا جایگزینی این اقلام با گزینه‌های ارزان‌تر و کم‌کیفیت‌تر می‌شوند. این تغییر الگوی مصرف، کاهش دریافت کالری و مواد مغذی ضروری را به دنبال دارد. برای بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد، وعده‌های غذایی ساده‌تر شده و تنوع غذایی به حداقل رسیده است. این روند نه تنها سلامت جسمی افراد را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند به مشکلات بلندمدت مانند سوءتغذیه، کمبود ویتامین‌ها و کاهش ایمنی بدن منجر شود.

برنج، نان، گوشت و لبنیات

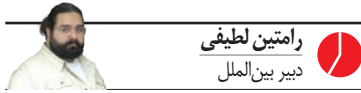
افزایش قیمت برنج تنها بخشی از یک بحران بزرگ‌تر است که سبد غذایی ایرانیان را هدف قرار داده است. لبنیات، گوشت و نان، دیگر اجزای اصلی رژیم غذایی خانوارها، نیز از موج گرانی در امان نمانده‌اند. قیمت لبنیات، از شیر و ماست گرفته تا پنیر، در سال‌های اخیر چندین برابر شده و دسترسی به این منابع حیاتی پروتئین و کلسیم را برای اقشار کم‌درآمد محدود کرده است. گوشت قرمز و مرغ نیز با افزایش قیمت‌های مشابه، از سفره بسیاری از خانواده‌ها



ثروت در محاصره عدالت

یک نظرسنجی جهانی تازه نشان می‌دهد ۹۰درصد مردم خواستار اخذ مالیات از ثروتمندان

برای تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و مقابله با تغییرات اقلیمی هستند



رامتین لطفی
دبیر بین‌الملل

نابرابری اقتصادی در دهه گذشته به سرعت افزایش یافته است. از یک سو، ثروتمندان و شرکت‌های چندملیتی با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و پناه بردن به بهشت‌های مالیاتی از پرداخت سهم واقعی خود فرار می‌کنند؛ از سوی دیگر، طبقات متوسط و پایین برای خدمات درمانی، آموزش و هزینه‌های زندگی تحت فشارند. این شکاف، بحث مالیات بر ثروتمندان را از یک موضوع اقتصادی به مطالبه‌ای اجتماعی و اخلاقی تبدیل کرده است. نظرسنجی مشترک اکسفام و گرینپیس در ماه مه ۲۰۲۵ در ۱۳ کشور اروپایی و غربی، نشان می‌دهد اقبال عمومی به این سیاست به‌طور چشمگیری بالاست. ایتالیا با ۹۴درصد حمایت در صدر قرار دارد و پس از آن اسپانیا با ۹۱درصد، فرانسه با ۹۰درصد، بریتانیا با ۸۹درصد و آلمان با ۸۵درصد. نکته جالب این است که این حمایت به طور تقریبی در همه گروه‌های سنی، درآمدی و سیاسی مشترک است؛ از جوانان تا بازنشستگان و از کارگران تا کارمندان، همه عدالت مالیاتی را خواستارند.

بستن درهای فرار مالیاتی

یکی دیگر از محورهای مهم این نظرسنجی، مسئله فرار مالیاتی است. شرکت‌های چندملیتی و میلیاردها با ایجاد ساختارهای پیچیده حسابداری یا انتقال سرمایه به کشورهای با قوانین سهل‌گیر، از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. به همین دلیل، امروز مطالبه بستن این راه‌ها به اجماعی عمومی تبدیل شده است. در ایتالیا ۹۴درصد، در بریتانیا ۹۱درصد، در اسپانیا و فرانسه ۹۰درصد و در آلمان ۸۶درصد از این سیاست حمایت کرده‌اند. کارشناسان معتقدند اجرای چنین اصلاحاتی می‌تواند منابع مالی کلانی آزاد کند؛ منابعی که صرف بهبود خدمات عمومی مانند آموزش، حمل‌ونقل، بهداشت و همچنین توسعه زیرساخت‌های دیجیتال شود. به بیان دیگر، بازتوزیع عادلانه ثروت فقط یک شعار نیست، بلکه ابزاری عملی برای بازسازی اعتماد اجتماعی به دولت‌هاست.

مالیات سبز؛ اجماعی شکننده

وقتی پای موضوعات اقلیمی وسط می‌آید، اجماع عمومی تا حدی شکننده‌تر می‌شود. مالیات برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر یا عایق‌سازی منازل هنوز مخالفتی جدی دارد. در آلمان ۱۸درصد مردم با مالیات سبز مخالفاند و ۷۵درصد از آن حمایت می‌کنند. در فرانسه ۷۹درصد، در بریتانیا ۸۰درصد و در اسپانیا



۱درصد موافق‌اند؛ ایتالیا اما با ۸۸درصد همچنان بالاترین میزان حمایت را نشان می‌دهد. در بحث عایق‌سازی منازل، مخالفت‌ها حتی بیشتر است: ۲۸درصد آلمانی‌ها، ۲۲درصد ایتالیایی‌ها و بریتانیایی‌ها و حدود ۲۰درصد فرانسوی‌ها و اسپانیایی‌ها با این سیاست مخالفاند. منتقدان معتقدند مالیات‌های اقلیمی می‌تواند بار اضافی بر دوش خانوارهای متوسط بگذارد و در نهایت به کاهش مقبولیت عمومی بینجامد.

اروپای شرقی در صحنه

یافته‌های تازه یوروبارومتر، نظرسنجی معتبر اتحادیه اروپا، تصویر گسترده‌تری به دست می‌دهد: ۸۰درصد شهروندان اتحادیه خواستار اعمال مالیات حداقل بر شرکت‌های چندملیتی‌اند و ۶۵درصد هم از مالیات مستقیم بر ثروتمندان حمایت می‌کنند. در اروپای شرقی نیز صداها بر طنین است؛ مجارستان با ۷۸درصد و بلغارستان و کرواسی با ۷۱درصد از این سیاست پشتیبانی می‌کنند. با این همه، واقعیت این است که تجربه مالیات بر ثروت در اروپا هنوز محدود است. تنها نروژ، اسپانیا و سوئیس مالیات بر «ثروت خالص» (مجموع دارایی‌ها منهای بدهی‌ها) را اعمال می‌کنند. کشورهای چون فرانسه، ایتالیا، بلژیک و هلند بیشتر به مالیات بر دارایی‌های خاص مانند املاک یا سهام بسنده کرده‌اند.

چرا ایتالیا و اسپانیا پیشتان‌د؟

حمایت پررنگ‌تر در ایتالیا و اسپانیایی دلیل نیست. هر دو کشور سابقه طولانی بحران اقتصادی و نابرابری اجتماعی دارند. نرخ بیکاری بالا، بدهی‌های عمومی سنگین و فشار تورم در دهه‌های اخیر باعث شده شهروندان این کشورها

حلقه نامزدی، معلم زبان و معلم ورزش

تیلور سوئیفت با تراویس کلسی نامزد کرد و این خبر موجی از واکنش‌ها را برانگیخت



«اِراس» که مرور کاملی بر تمام آلبوم‌های سوئیفت بود، در شب حدود ۴۴ قطعه موسیقی در مدت بیش از سه ساعت و نیم روی صحنه می‌برد. استقبال از این کنسرت‌ها چنان عظیم بود که در آمریکا برای هر اجرا بیش از ۱۴ میلیون نفر برای خرید بلیت اقدام می‌کردند. این تور تاکنون بیش از ۵.۷میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا تزریق کرده است؛ از هتل‌ها و رستوران‌ها تا فروش تی‌شرت و حتی بطری‌های آب با عکس سوئیفت.

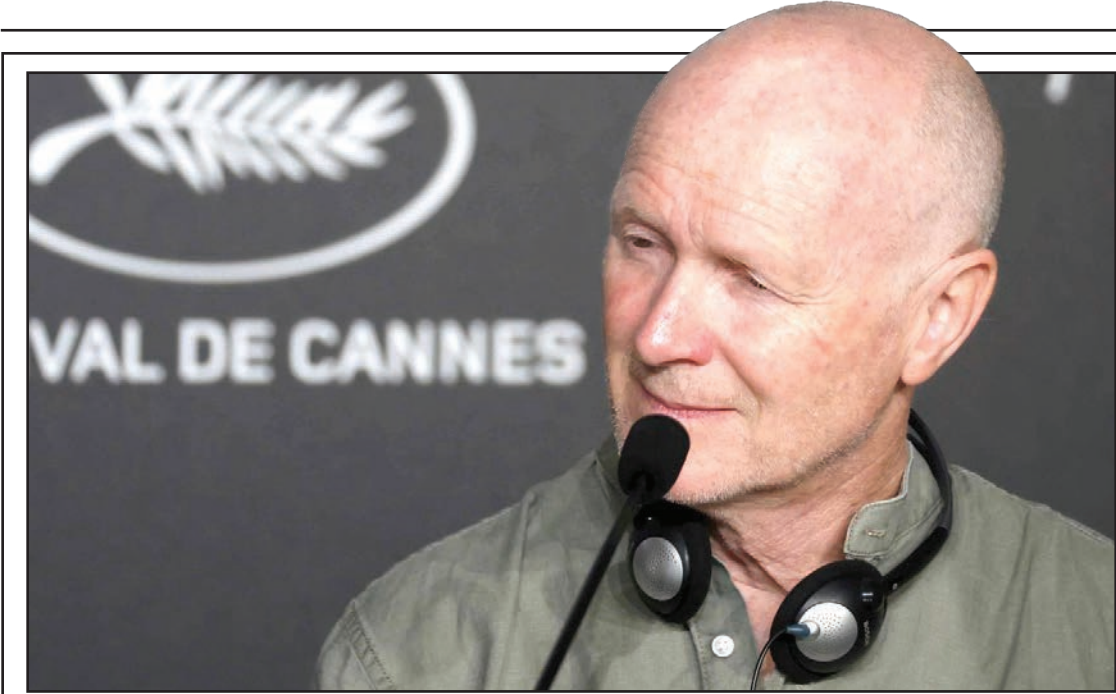
چهره‌ای فرهنگی – سیاسی

اما سوئیفت تنها یک هنرمند موفق نیست؛ او در عرصه سیاسی هم صدایی شنیدنی دارد. در انتخابات آمریکا با حمایت از کامالا هریس در برابر بازگشت ترامپ، آشکارا موضع گرفت. همین مسئله باعث شد ترامپ بارها علیه او سخن بگوید و حتی در شبکه اجتماعی خود نوشته بود: «از تیلور سوئیفت بیزارم و او یک بازنده تمام‌عیار است.» با این حال، سوئیفت با حضور در یادکست «قلعه‌های جدید» همراه با تراویس و جیسون کلسی، نه تنها از آلبوم جدیدش «زندگی به یک آواز» خوان رونمایی کرد، بلکه رکورد دونالد ترامپ را هم شکست.



لیبراسیون فرانسه می‌گوید با کنار گذاشته شدن قریب‌الوقوع فرانسوا باپرو، نخست‌وزیر این کشور، امانوئل مکرون برای تشکیل مجدد دولتش کار سخت و پیچیده‌ای پیش روی خود دارد.

سودویچه زیتونگ آلمان، عکس اصلی خود را به مراسم تشییع خبرنگارانی اختصاص داد که در ادامه جنایات ارتش اسرائیل در بمباران بیمارستان ناصر غزه، جان خود را از دست دادند.



چهار روز

بل لاووتی، نویسنده برجسته فیلم‌های «بلوط پیر» (Old Oak)، «بخشید که جا ماندید» (Sorry We Missed You) و «من، دنیل بلیک» (I, Daniel Blake)، در جشنواره فیلم ادینبرا به دلیل پوشیدن تی‌شرت «اقدام فلسطین» بازداشت و پس از چند ساعت آزاد شد. لاووتی در حمایت از موریلا مک‌فارلین، عضو «کمپین اسکاتلندی همبستگی با فلسطین» که به دلیل پوشیدن تی‌شرت با شعار «نسل‌کشی در فلسطین، وقت اقدام رسیده» بازداشت شده بود، در این مراسم حضور داشت. او جوایز معتبری از جمله نخل طلای کن را کسب کرده است. او پس از آزادی گفت: «دادگاه افکار عمومی از نسل‌کشی و حمایت از آپارتاید اسرائیل بیزار است.»

بنگه دنیا

سگ‌ها؛ وفاداران کاخ سفید

در روز جهانی سگ، ۴۸میلیون سگ خانگی، بخشی از خانواده‌های آمریکایی هستند



ایالات متحده با ۳۳ میلیون جمعیت و ۱۲۹ میلیون خانواده، فرهنگ خانواده‌محور دارد که ریشه در ارزش‌های دینی و اجتماعی آن‌هاست. برخلاف اروپا، نرخ ازدواج در آمریکا از طلاق پیشی گرفته و تعداد خانواده‌ها هر دهه ۴ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد. فرزندپروری نیز از ارکان اصلی این فرهنگ است؛ ۷۴ میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در این کشور زندگی می‌کنند و نرخ زادآوری از ۲.۶۹ به ۲.۵۳ فرزند به ازای هر مادر رسیده است. در کنار فرزندزاد، حیوانات خانگی جایگاه ویژه‌ای در زندگی خانواده‌های آمریکایی دارند. اکثر خانواده‌ها، به جز در شهرهایی مثل نیویورک که آپارتمان‌نشینی رایج است، در خانه‌هایی با حیاط‌های بزرگ و سرسبز زندگی می‌کنند که فضایی ایده‌آل برای نگهداری حیوانات فراهم می‌کند.

از دهه ۱۹۶۰، نظام مصرف‌گرایی آمریکایی، حیوانات خانگی را به نمادی از مرزبندی طبقاتی و نژادی بدل کرد. پس از انتشار کتاب «آزادی حیوانات» نوشته پیت سرینگر در ۱۹۷۵، دفاع از حقوق حیوانات و گیاهخواری به شعارهایی اجتماعی تبدیل شد و توجه به رفاه حیوانات در کنون توجه قرار گرفت. سیاستمداران، به‌ویژه روسای جمهور، از این فرهنگ برای بهبود وجهه خود بهره بردند. نگهداری حیوانات خانگی نه تنها وجهه‌ای از نخبگی و اصالت را به نمایش می‌گذارد، بلکه با نشان دادن مهرباتی به حیوانات، افکار عمومی را تلطیف می‌کند و فرهنگ احترام به حیوانات را ترویج می‌دهد.

جالب است که حیوانات خانگی در سیاست آمریکا نیز نقشی غیرمنتظره یافته‌اند. براساس نظرسنجی آسوشیتدپرس در انتخابات ۲۰۲۴، سگ‌داران به‌طور قابل توجهی به دونالد ترامپ رأی دادند، در حالی

سگ‌ها با ۷۷میلیون جمعیت که ۴۸ میلیون آنها خانگی‌اند، محبوب‌ترین حیوانات آمریکا هستند. گربه‌ها با ۲۲ میلیون، پرندگان با ۴ میلیون و اسب‌ها با حدود یک میلیون در رتبه‌بستم بعدی‌اند. این فرهنگ در قرن بیستم به شکل گرفت و در دهه‌های پایانی آن و اوایل قرن بیست‌ویکم به اوج رسید. بسیاری از سگ‌ها به عنوان نگهبان برای حفاظت از املاک و مزارع به کار می‌روند. با این حال، نگهداری حیوانات خانگی هزینه‌بر است؛ هر حیوان سالانه بین ۴۵۰ تا ۴۰۰۰ دلار هزینه دارد که شامل بیمه اجباری، مالیات خدمات شهری برای مدیریت زباله‌های حیوانی و هزینه‌های تغذیه و مراقبت است. این هزینه‌ها برای اقشار کم‌درآمد، دانشجویان و مهاجران اغلب غیر قابل تحمل است و نگهداری حیوانات خانگی را به نشانه‌ای از تمایز طبقاتی و حتی هویت «آمریکایی اصیل» تبدیل کرده است.

خطرناک افغان داشت. جو بایدن در دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۵ یادو سگ چوپان آلمانی به نام‌های «کماندر» و «میجر» به کاخ سفید بازگشت. اما «میجر» به دلیل حملات مکرر به محافظان، حتی پس از آموزش‌های حرفه‌ای، به دلایل نزد جیل بایدن تبعید شد. این رویدادها بحث‌هایی درباره رفتار سگ‌های کاخ سفید به راه انداخت. فرهنگ سگ‌دوستی حتی در جلب آرای خانواده‌های سنتی، پرنرنگ بوده است. در انتخابات ۲۰۲۴، تصاویر سگ‌ها در کنار نامزدها در شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌ها، به‌ویژه برای سگ‌ها که در خانه‌های آمریکایی، روز ملی سگ که ۲۶اوت گرمی است، ۲اسب کوتاه‌قد، یک همستر، یک فناری و یک طوطی رکورددار بود. سگ وارن جی. هاردینگ در جلسات کابینه روی صندلی مخصوص خود می‌نشست و جیمی کارتر سگی از نژاد

که گربه‌داران، به‌ویژه زنان، به کامالا هریس تمایل داشتند. حدود ۶۰درصد زنان گربه‌دار از هریس حمایت کردند، در حالی که ۶۲درصد مردان سگ‌دار و ۵۳درصد زنان سگ‌دار به ترامپ رأی دادند. این تقسیم‌بندی سیاسی که با اظهارات جنجالی می‌دی ونس درباره «زنان گربه‌دار بی‌فرزند» تقویت شد، نشان‌دهنده تأثیر فرهنگی حیوانات خانگی بر رفتار رأی‌دهندگان است. جالب است بدانید، در ۱۵۰ سال گذشته، دونالد ترامپ تنها رئیس جمهوری بود که در دوره‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱ و از ژانویه ۲۰۲۵ تاکنون حیوان خانگی نداشت و این سنت دیرینه کاخ سفید را شکست. جان اف. کندی با ۷سگ، ۳گربه، ۲اسب، ۲اسب کوتاه‌قد، یک همستر، یک فناری و یک طوطی رکورددار بود. سگ وارن جی. هاردینگ در جلسات کابینه روی صندلی مخصوص خود می‌نشست و جیمی کارتر سگی از نژاد

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



شکار چیان شیاطین کی‌پاپ، غوغای جهانی به پا کرد



سئول روایت می‌شود و داستان سه خواننده کی‌پاپ را دنبال می‌کند که با نیروی ترانه‌های پرطرفدارشان با هریمنان مبارزه می‌کنند. گفتنی است سونی و نتفلیکس مذاکرات برای تولید دنباله این فیلم پرطرفدار را آغاز کرده‌اند و هواداران بی‌صرانه منتظر ادامه این ماجرا هستند.

فیلم «شکار چیان شیاطین کی‌پاپ» (Kpop Demon Hunters) با روایت هیجان‌انگیز مبارزه گروهی از دختران کی‌پاپ با هیولاها، به پربیننده‌ترین فیلم اختصاصی تاریخ نتفلیکس تبدیل شد. این اثر با ۲۳۶ میلیون بیننده، رکورد پیشین فیلم «اعلان قرمز» (Red Notice) با ۲۳۰۹ میلیون بیننده را پشت سر گذاشت و صدرنشین محبوب‌ترین فیلم‌های این پلتفرم شد. از دیگر فیلم‌های پر مخاطب نتفلیکس می‌توان به «محموله» (Carré-On)، «بالا رانگاه نکنید» (Don't Look Up) و «پروژه آدام» (The Adam Project) اشاره کرد که هر یک طرفداران بسیاری داشته‌اند. «شکار چیان شیاطین کی‌پاپ» در آخر هفته گذشته با فروش خیره‌کننده ۱۸ تا ۲۰ میلیون دلاری طی دو روز، برای اولین بار در تاریخ نتفلیکس به صدر باکس آفیس آمریکای شمالی رسید. این فیلم همچنین با ۲۵.۴ میلیون بیننده در هفته گذشته، پر مخاطب‌ترین اثر سینمایی هفته لقب گرفت. این انیمیشن به کارگردانی مگی کانگ و کریس ایلهانس در شهر

نیوزدن



گفت وگو باشراره طیار، نویسنده و کارگردان دونمایش «درخت گیلas» و «همه پنگوئن یاجی؟»

رسالتم نبود تئاتر را ادامه نمی دادم

● برای تئاتر کودک آموزش آکادمی وجود ندارد، همه چیز خودجوش اتفاق می افتد

● اقتصاد و نبود حمایت و تبلیغات از طرف دولت، رسانه ملی و رسانه های خانگی و نداشتن حتی یک بیلورد شهری، عمده چالش تئاتر کودک است

احمد رضا حجاززاده هفت صبح	
در عرصه تئاتر عروسکی و کودک ونوجوان، نام شراره طیار نامی دغدغه مند و فعال است. هنرمندی که با مدرک کارشناسی تئاتر عروسکی از دانشکده پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران وارد میدان شد و	

« شما در رشته تئاتر عروسکی تحصیل کرده اید اما برای فعالیت هنری، به تئاتر عروسکی کودک ونوجوان ورود کردید. در حالی که تئاتر عروسکی بزرگسال سال هاست مهجور و مغفول مانده. کار برای کودکان چه حس و ضرورتی داشت؟

راستش را بخواهید هدف من از ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته تئاتر، کار برای کودکان و نوجوانان بود اما متأسفانه رشته ای با عنوان تئاتر کودک ونوجوان در دانشگاه های ایران وجود نداشت و ندارد! در نتیجه به پیشنهاد استاد عزیزم زنده یاد جواد ذوالفقاری و مشورت های ارزشمند استاد مهر بانم هما جدیکار، به این نتیجه رسیدم که بهترین گرایش برای من تئاتر عروسکی است. تئاتر عروسکی در دانشگاه مجموعه ای از کلاس های نویسندگی، کارگردانی، بازیگری و طراحی صحنه بود و به من کمک کرد با اصول اولیه تئاتر آشنا بشوم. در دوره کارشناسی ارشد تئاتر عروسکی، بیشتر با چرایی و چگونگی قرارگیری محتوا در شکل نمایش عروسکی آشنا شدم و آموختن نمایش عروسکی چطور می تواند بستر مناسبی برای نمایش های کودکان و نوجوانان باشد.

« چه شد که تصمیم گرفتید نمایش «درخت گیلas» را باز تولید کنید؟

نمایش «درخت گیلas» سال گذشته در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تولید شد. با توجه به محتوای نمایش و شکل اجرایی که گونه ای از نمایش ایرانی و تعزیه است، فکر کردیم می شود امسال هم در ایامی که کودکان در خیابان ها تعزیه و مراسم آئینی می بینند، روی صحنه باشیم.

« «درخت گیلas» براساس کتاب «چرا؟ چرا؟ چرا؟» نوشته «کلر ژوبرت» (نویسنده ایرانی فرانسوی) تولید

طی سال ها فعالیت، شمار زیادی نمایش عروسکی خلق کرده است. او در رشته های متنوعی مانند عروسک گردانی، صداپیشگی، بازیگری، نویسندگی و کارگردانی تئاتر کودک فعال بوده و با هنرمندانی همچون حسن دادشکر، عادل بزوده، فریا ریسی، شیوا مسعودی، مریم سعادت و طلیعه طریقی همکاری کرده. دریافت جایزه اول عروسک گردانی

شده اما نمایش، رویکردی مذهبی دارد و در آن به مسئله مقابله با ظلم از منظر امام حسین(ع) پرداخته اید. این محتوا در داستان خانوم ژوبرت وجود داشت یا شما و محمدحسین حبیبی آن را به این شکل بازنویسی کردید؟ در نگارش متن، تا چه اندازه به داستان اصلی وفادار بودید؟

قصه خانم ژوبرت با پرسش دخترک از پدر بزرگش که «امام حسین چرا جنگید؟» شروع می شود و در نمایش ما دخترک صدای اجرای تعزیه را می شنود و می پرسد «این دیگه صدای چه؟» و پدر توضیح می دهد تعزیه، نمایشی است که به جنگ های امام حسین و یزید می پردازد و بعد دخترک ادامه می دهد «جنگ؟! امام حسین چرا جنگید؟» و پدر می گوید برای مقابله با ظلم و زورگویی و در ادامه قصه درخت گیلای را می گوید که پرنده ها در آن زندگی می کردند، با این که درخت همیشه سبز و پربار بود اما پرنده ها هیچ وقت خوشحال نبودند، چون یک دار کوب به آن ها زور می گفت و ادامه ماجرا...

در کتاب قصه به صورت کلی و بدون تشخیص پردازی گفته می شود که پرنده ها می گفتند «چشم»، تا این که روزی بلبل آمد و به جای چشم، پرسید چرا؟ و پرنده ها هم به پیروی از او با چراهایشان دارکوب را بیرون کردند. در نمایش به دلیل این که ما می خواستیم کودکان را با شیوه تعزیه آشنا کنیم، بلبل از روی غلم بلند می شود و به باغ درخت گیلas می رود و در نهایت هم روی علم بازی گردد. « یکی از مهم ترین عناصر تئاتر



« چرا معمولا برای تولید نمایش کودک ونوجوان، سراغ ادبیات داستانی و اغلب قصه های خارجی می روید؟ حتی متن «گورخر سیاه» را از افسانه ای آفریقایی اثر «بریل ما» اقتباس کردید، یا نمایش «همه پنگوئن...» که بر اساس داستانی از «دورو تیه هنتیس» نوشته شده. آیا ادبیات نمایشی ما و داستان های ایرانی، برای انتخاب و نگارش متن فقیر است؟

همان طور که گفتیم، من دنبال سوزوهای جهان شمول هستم و دلم می خواهد روی موضوعاتی کار کنم که دغدغه تمام انسان ها و به ویژه کودکان دنیاست. به همین دلیل بسیار می خوانم و می بینم و بله، متأسفانه قصه های کمی در ادبیات نمایشی ایرانی پیدا می کنم که این مسئله را پوشش بدهد. حتی در کلاس های فلسفه برای کودک هم بسیار انگشت شمارند متونی که بتوانم برای بچه ها بخوانم و گفت وگو کنیم.

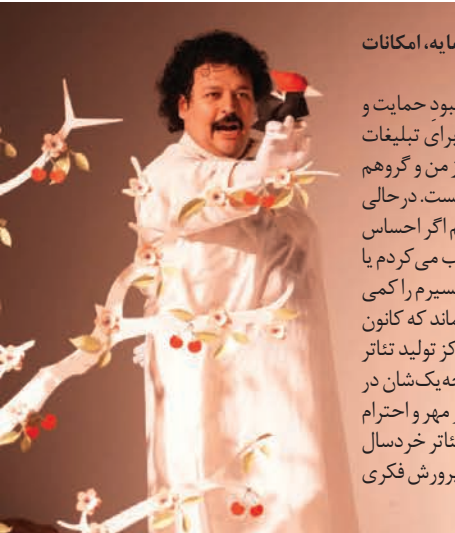
از آن جایی که پدر و مادرها همراهان همیشگی کودکان در نمایش های شما هستند، نقش و وظیفه والدین را در تجربه تئاتر کودک چگونه می بینید؟ ما همیشه بعد از اتمام نمایش با کودکان گفت وگو

می کنیم. طبیعتا به جز مسئله کودکان، هدفم آموزش چگونگی پیشبرد گفت وگو با کودکان پس از تماشای تئاتر است. از طرفی این والدین هستند که با اهمیت دادن و قراردادن تئاتر در سبد فرهنگی خانواده، آن را به عنوان یک اصل برای کودکان معرفی می کنند.

به نظر تان تئاتر کودک ونوجوان در ایران پیشتر نیازمند حمایت مالی ست یا فرهنگی و تبلیغاتی؟ فکر می کنم تئاتر کودک ونوجوان برای سرپاماندن، نیاز به حمایت های زیادی دارد؛ نه تنها حمایت های مالی، تبلیغاتی و فرهنگی، بلکه کمک هایی برای آموزش های صحیح و اصولی درراستای تولید تئاتر برای کودکان. ناگوار است که رشته ای آکادمیک در این حوزه وجود ندارد و هنرمندان این حوزه به صورت خودجوش به ارتقای دانش خود می پردازند. این هم به دلیل عدم امکان دسترسی به منابع اصلی و به روز دنیا و همچنین نبود ارتباطات کافی با هنرمندان و روان شناسان مطرح کودک ونوجوان در دنیا به صورت ناقص اتفاق می افتد.

« در تولید نمایش کودک ونوجوان، چه مواردی برای شما در اولویت است: سرگرمی، آموزش یا ایجاد تفکر در مخاطب؟

طبیعتا با توجه به این که من معلم کودکان در رشته «فلسفه برای کودک» هستم، نمی توانم از تشویق و ترغیب کودکان به تفکر و پرسش گری دست بکشم. از طرفی به عنوان یک هنرمند وظیفه دارم به بخش زیبایی شناسی اثر هم توجه کنم، پس با در نظر گرفتن سلیقه بصری مخاطب و همچنین استفاده از تکنیک های به روز تئاتر در دنیا، تلاش می کنم هم گام با نسل جدید پیش بروم.



تدبیر نامه خودک خان پرت الدوله

دوره اول شماره ۱

دهم ذیقعد، سنه ۱۲۶۸ هجری قمری، برابر با ۱۲۶اوت سنه هزار و هشتصد و پنجاه و دو مسیحی، چهارم شهر یور ۱۳۳۱ خورشیدی اینجناب خودک خان پرتالدوله، اعظم الاباطیل العالمسم و بزرگ خاندان دودهمان ترهاتیه، در گوشه ای از دارالخلافه و تحت اوامر ظل سلطانیه ناصر شاه، به تحریر تدابیر ملکرانی مبادرت نمود ت چراغ راه آیندگان باشد.

باب اول

تدبیر در ترک عادت زیاده خواهی رعیت

چند صباحی است مفت خوران دیوان و کاسه لیسان در گاه و چاکران آستان وقتی به دیوان خانه فخمیه دولت می رویم نکونال می کنند که رعیت زیاده خواه شده، به رفاه و آسایش خو کرده، هر روز طلب بیشتر می کند. خودشان که عقل و تدبیر ندارند و مفت می گیرند و مفت می خورند و شکم گنده می کنند و چنان در حل این معضل در گل مانده اند که بالاظطرار به ما خودک خان پرتالدوله پناه آورده اند که الحق شیر بیشه درایتیم.

ما نیز که از فرط بیکاری و بیعاری پس از چندین سال سیر و سیاحت در احولات شیخ الرئیس های شبکه های مجاری و کسب مهسارت در مزخرفد رمانی و شبه پزشکی و ماساژ کف پا با روغن مارمولک جهت رفع چهل بلا، رویاندن مو بر سر طاس با عصاره حلزون و گیاهی که آن سوی جادوغ آباد می روید، رفع انواع بیماری های خاک برسری که ذکرش دون شأن ما و شماس و فروش انواع سر کتاب و جام زنی و آئینه بینی و فال نخود، و دم مار و نیش کژدم و مهره مار و مهر گیاه برای خودمان سری در سرها داریم و مایه مباحث آفاق و انفسیم و به رأی الناس به صدارت اعظمی برکشیده شده ایم گفتیم تدبیر کنیم و الحمدلله به کشف بزرگی ناثل آمدیم که همچون «دوای ترک اعتیاد» عمل می کند.

اگر صدراعظمی این راه حل را در بلاد فرنگ کشف می کرد ناچار جایزه نوبل می گرفت، از بنیاد را کفلر بورس مطالعاتی می برد و در همه ژورنال ها نامش به بزرگی یاد می شد، حتی می توانست با فیلتر والنسیا جایی روی جلد مجله تایم بیابد، اما چه کنم که اینجا ایران است و بخل و حسد شغل دوم مردمان و همه ناقدان.

القصه، دیدیم آنچهان که پیداست، زیاده خواهی، بلای جان رعیت شده است! بیاینه دادیم که ای رعایای غیورا بداندیک طمع به متاع خوب، طلب آسایش و رفاه، فیلم و کتاب و رمان و موسیقی و سریال و نمایشنامه و تیاتر خوب خواستن چوان اعتیاد به تریاک است که وقتی بدان گرفتار شدی، ترکش به آسانی ممکن نیست.

چاکران دیوان سلیمان آستان ما، مدام پیام های رنگارنگ به ما می رسانند که رعیت فریاد زیاده خواهی سر داده، طلب پاراننه بیشتر می کند، کنسرت های پرمطمراق و با کیفیت با هنرمندان درست وحسابی می خواهد، فیلم و تیاتر و نمایش و سریال های پر مغز می خواهد! هزار دستان طلب می کند، روزی روزگاری می خواهد، شجریان می خواهد، لاید جسارت کرده، به هنگام تماشای نمایش ساندپنج تخم مرغ آبپز و تخمه آفتاب گردان و چیزفیل هم می خواهد. چه غلط کردن ها! اینجا بود که خون خودک خانی مان به جوش آمد و بر سر آن شدیم دست به کاری ز نیم که غصه سرا اید.

راهکارهای آنچهانی برای ترک زیاده خواهی های این چنانی

رعایا هر روز بر در دیوانخانه مبارک که جمع می شدند و طلب موجب و مقرری بیشتر می کردند. روزگاری بود که دولت فخمیه ما مبلغی چهل وپنج هزار تومانی به رعیت می داد که چهل دلار ارزش داشت و با آن چند ساندپنج پدرمادر دار می خریدند در شکمبه وامانده شان می ریختند. دیدیم این طور نمی شود. به وزیر مالیه گفتیم اقتدر آب به خیک پول ریختند و پول بی پشتوانه چاپ کردند و تورم را چنان افسار گسیختند و بی کردند که الان همان موجب و مقرری به لعنت یزید هم نمی ارزد و با آن حتی فحش هم به رعیت نمی دهند چه رسد به ساندپنج تخم مرغ و چیزفیل! حالا دیگر کسی موجب و مقرری طلب نمی کند. این مشکل به سر پنجه تدبیر دولتمردی ما حل شد.

روزی وزیر هنرهای مستظرفه آشفته حال برآمد که روزگاری آواز خوانان این ملک با حنجره های طلائی استادانیده، دل و هوش رعیت را می پرند! گفتیم خب ما رعیت بی هوش و دلباخته به چه کارمان می آید. فرمودیم به همان روش ترک اعتیاد هر روز بر هنرمندان فاخر سخت بگیرید و بر هنرندان بی مایه، سهل از آن کم کنید و بر این بیافزاید تا جایی که دیگر از شنیدن صدای شجریان ها حالشان بد شود و عاشق این باشند که کسی رویشان زوم زوم کند و بوم بوم کند قلیشان! تا به امروز روز که می بینیم جوانان این دیار مقابل قهوه خانه های لمیز و ساعدی نیل، کار و گیس کتان و کبل چنجان می خوانند «هر بار این درو یا این خر محکم بند بروا نایند بروا!» این جوانان در پی تدبیر دیوانی ما دیگر شجریان و امثالهم را که آنها نیز زیاده خواه و زیاده گو بودند و برای ما شاخ بازی در می آوردند به کتف چپشان هم نمی گیرند.

وزیر هنرهای مستظرفه در ادامه افزود: گروهی دیگر طلب سریال های پر مغز می کنند، روزگاری قصه سرایان برای سریال ها مغز می سوزانند و آثاری خلق می کردند که هم سرگرم کننده بود و هم کجیمنامه. اما مصیبت داشت، خرج داشت، پرو می شدند و برای ما رخ عقاب می گرفتند و وقتی به فستیوال های فرنگی می رفتند برای ما لغز هم می خواندند و در بعضی کارها به ما طعنه می زدند که فلا ن و بهمان. فرمودیم همان راه و همان درمان ترک اعتیاد را به کار گیرند. مدام از سر و نه قیلمنامه های وزین زدند و سانسور کردند، تا جایی که دیگر نویسنده ای نماد که سرش به تش بیارزد. حالا امروز چهار هنرپیشه را بی فیلمنامه جلوی دوربین می فرستند و هر چه به ذهن شان می رسد می گویند! ما را هم می خندانند و نیش مان با دیدن این قبیل خزعبلات تا زیر لاله های گوشمان باز می شود. برای آنکه رعیت مبدا هوس آن طور دیگر کند به آقای مالجو سپردیم روزی هشت هزار بار تمام فیلم های پژمان جمشیدی و شر کار را روی آنتن بی نمود «نوی هشت» خود برد و بین آن دقیقه ای یکبار داروی ترک اعتیاد تبلیغ کند تا رعیت بفهمد به چه تیر غیبی گرفتار بود و باید ترک عادت کرد.

بنای تعریف از خود نداریم، که تاروپود مرا با تواضع یافته اند. ما دیشب پس از قلمی کردن این وجیزه در رویای صادق ملکی از ملائک مقرب عرش الهی در گوشم ندا سر داد که خودک خان بشارت بر تو که بهشت بر تو واجب آمد چرا که حکیمان و آیندگان با تدقیق و تدبر در تدبیر نامه تو راه رستگاری پیش می گیرند و حتی علما و فرز انگان از تو بسیار تقلید می کنند. من که از حیرت این رویای صادق صم بکم بهترده نشسته بودم پرده حجاب از برابر چشمانم کنار رفت و دیدم دخیدا نامی، که یحتمل نه مثل ما صدراعظم، شاید کدخدای دخرابه ای، قصه ای بوده باشد به تقلید از ما در چرند و پرندنامه اش عین عبارات و تدابیر ما را نوشته: «عادت طبیعت ثانویست. همین که کسی به کاری عادت کرد دیگر به این آسانی ها نمی تواند ترک کند. علاج منحصر به این است که به ترک تیب مخصوصی به مرور زمان کم کند تا وقتی که به کلی از سرش بیفتد.... ترک عادت در صورتی که به این قسم بشود موجب مرض نیست و کار خیلی آسانی است و همیشه بزرگان و متشخصین هم که می خواهند عادت زشتی را از سر مردم بیاندازند همینطور می کنند.» الحق چرند و پرند است و نامش راهم از ما دزدید، دخوا! ما خودک خانیم، کاش در همان رویای صادق به او می گفتم تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف!

خودک خان



گزارش میدانی از افزایش خرید اقلام اساسی و خوراکی با اقساط چندماهه خبر می‌دهد

خریدهای آنلاین و سفره‌های قسطی

میلیون‌ها سفرارش ماهانه در پلتفرم‌های آنلاین به صورت خرید اقساطی انجام می‌شود و سوپرمارکت‌های محلی ناچار به همراهی شده‌اند

محبوبه دانش
هفت صبح

«اعتبار خرید» از یک امکان جانبی به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. این روزها، پلتفرم‌های آنلاین با شعار «خرید آسان و بدون سود» میلیون‌ها سفرارش ثبت می‌کنند و سوپرمارکت‌های محلی، برای حفظ مشتری، برای پلتفرم‌های قدیمی نسبی را با نسخه‌های دیجیتال جایگزین کرده‌اند. روایت زندگی روزمره حالا پر از تصاویر خریدهای آنلاین است. برای بسیاری از شهروندان، این روش فرصتی است برای زنده نگه داشتن سفره‌ای که زیر بار گرانی خم شده؛ اما برای برخی دیگر، هر قسط کوچک آغاز زنجیره‌ای از بدهی‌هاست که آرام و خاموش، زندگی را تحت فشار می‌گذارد. در کوچه‌های تهران و پشت و پرتین فروشگاه‌های آنلاین، داستان مشترکی جریان دارد: سفره‌های ایرانی به اقساط تقسیم شده‌اند و پرسش اصلی این است که آیا این قسط‌بندی، ناجی معیشت است یا نشانه‌ای از عمیق‌تر شدن بحران؟

با تداوم افزایش قیمت مواد غذایی در سال جاری، خرید قسطی به راهکاری برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی تبدیل شده است. سوپرمارکت‌های محلی و پلتفرم‌های آنلاین حالا نقشی پررنگ در تأمین نیازهای روزمره مردم دارند اما این روند چه تأثیری بر زندگی شهروندان گذاشته و چرا خرید قسطی مواد غذایی به یک ضرورت تبدیل شده است؟ این گزارش روایتی از زندگی مردمی است که برای پر کردن سفره‌شان به اقساط روی آورده‌اند.

صبح یک روز پاییزی در تهران ۱۴۰۰، خیابان‌های شلوغ محله‌های مرکزی پر از آدم‌هایی بود که با کیسه‌های خرید به خانه برمی‌گشتند اما این روزها، کیسه‌های پلاستیکی پر از برنج، روغن و لبنیات دیگر مثل گذشته فقط با پول نقد پر نمی‌شوند. بسیاری از مردم، از کارمند گرفته تا کارگر، برای خرید مایحتاج روزانه‌شان یا به سراغ سوپرمارکت‌های محلی یا اپلیکیشن‌های قسطی می‌روند تا از آنان قسطی خرید کنند. طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۴، قیمت اقلام اساسی مثل حبوبات، برنج، چای، مرغ، گوشت، روغن و لبنیات تغییرات زیادی نسبت به سال قبل داشته است. این تغییرات عددی - آماری سرد، خشک و بی‌رحم، پشت‌صحنه‌ای از زندگی واقعی مردم را روایت می‌کنند؛ جایی که خرید یک بسته ماکارونی یا یک بطری روغن، گاهی به تصمیم‌گیری‌های پیچیده مالی منجر می‌شود. «مریم مرادی» مادر سه فرزند که در یکی از محلات جنوب غرب تهران زندگی می‌کند، یکی از همین آدم‌هاست. او می‌گوید: «قبلاً هفته‌ای دو بار خرید می‌کردم، نقدی و بدون دغدغه. حالا اما با حقوق شوهرم که رانده خطی است، نمی‌توانم یک جا پول نقد اقلام خوراکی را بدهیم. بنابراین از اپلیکیشن‌ها خرید قسطی می‌کنیم. مثلاً یک بسته برنج و چند قلم لبنیات می‌خرم. قسط اول را همان موقع می‌دهم و بقیه‌اش را در سه قسط تا سه ماه بعد می‌دهم. البته فکرش را نمی‌کردم یک روز برای یک کیلو گوشت قسطی خرید کنم ولی وضعیت همه فعلاً همین است.»



سوپرمارکت‌ها در تنگنای تورم

در سوی دیگر ماجرا، سوپرمارکت‌های محلی هم با این موج جدید همراه شده‌اند. «محمد رضا حسینی» صاحب یک سوپرمارکت کوچک در محله جیحون، می‌گوید: «از وقتی قیمت‌ها بالا رفت، مشتری‌ها کمتر نقدی خرید می‌کنند. خیلی‌ها من می‌پرسند که آیا می‌توانند قسطی خرید کنند؟ من هم یک دفتر حساب و کتاب برای مشتریان همیشه‌ی محله راه‌اندازی کرده‌ام و آخر ماه قسط را از بدهکاران می‌گیرم ولی حالا با این اپلیکیشن‌های جدید، کار راحت‌تر شده است. مشتری از خود سوپرمارکت ما از طریق آنلاین و همان اپلیکیشن‌ها خرید می‌کند و قسط‌هایش را به آنها می‌دهد.» او می‌گوید که در شش ماه گذشته، فروش قسطی در مغازه‌اش نزدیک به ۳۰ درصد افزایش یافته است.

افزایش شدید

خرید قسطی مجازی در کشور

طبق گزارش‌های یکی از اپ‌های خرید کالا در سال ۱۴۰۳، این پلتفرم بیش از ۱.۸ میلیون سفرارش ماهانه ثبت کرده و پیش‌بینی می‌کند که در سال ۱۴۰۴، با توجه به رشد خریدهای آنلاین، تعداد سفرارشات ماهانه این اپلیکیشن به بیش از ۲.۳ میلیون سفرارش برسد. این اعداد نشان‌دهنده افزایش وابستگی مردم به سوپرمارکت‌های آنلاین است که بخش قابل توجهی از فروش آنها از طریق سرویس‌های اعتباری و قسطی انجام می‌شود.

اما این روند تنها به سوپرمارکت‌های محلی محدود نمی‌شود. پلتفرم‌های بزرگ آنلاین حالا بخشی از بازار خرید قسطی را در دست گرفته‌اند. یکی از این اپلیکیشن‌ها که در سال ۱۴۰۴ سرویس خرید قسطی بدون سود و کارمزد را گسترش داده، اعلام کرده که کاربران می‌توانند تا سقف ۲۰ میلیون تومان اعتبار برای خرید اقلام سوپرمارکتی دریافت کنند. این سرویس به‌ویژه برای کاربرانی با امتیاز اعتباری بالا قابل دسترسی است. یکی دیگر هم با کمپین «قسطی حراج» در شهریور ۱۴۰۴، امکان خرید قسطی بیش از ۶ هزار کالا را با تخفیف‌های تا ۷۰ درصد فراهم کرده است. پیش‌بینی می‌شود این کمپین‌ها در سال ۱۴۰۴ به افزایش فروش اقلام سوپرمارکتی به صورت قسطی کمک کند.

راه نجات موقت

یادرمانی دائمی؟

آنچه از این روایت‌ها برمی‌آید، تصویری از جامعه‌ای است که در تلاش برای حفظ تعادل میان نیازهای اولیه و فشارهای اقتصادی است. خرید قسطی مواد غذایی، از برنج و روغن گرفته تا آجیل و تنقلات، حالا بخشی از زندگی روزمره بسیاری از ایرانی‌هاست. این روش، هرچند برای برخی راه نجاتی موقت است اما برای دیگران می‌تواند به چالشی جدید تبدیل شود.

در این میان، سوپرمارکت‌های محلی و پلتفرم‌های آنلاین سعی دارند با ارائه راهکارهای مالی جدید، به مردم کمک کنند تا سفره‌شان خالی نماند اما سوال اینجاست: آیا این راهکارها کافی است یا فقط درمانی موقت برای دردی عمیق‌تر هستند؟

زندگی قسطی:

راهکار یا دام؟



خرید قسطی همیشه راه‌حل نیست. برای برخی، این روش به معنای بدهی‌های کوچک اما مداوم است که می‌تواند فشار مالی را در طولانی‌مدت بیشتر کند. «روزبه رضایی» صاحب یک سوپرمارکت در شرق تهران، نظر متفاوتی دارد: «بعضی از مشتریان آن‌قدر قسط دارند که نمی‌توانند به‌موقع تسویه کنند. این برای ما هم ریسک به همراه دارد. من خودم ترجیح می‌دهم نقدی بفروشم ولی وقتی مشتری کم است، چاره‌ای جز قبول فروش قسطی ندارم.» او می‌گوید که حدود ۲۰ درصد از مشتریان‌اش داشته که حتماً از نور مصنوعی بی‌نیاز می‌کرده؛ به‌موقع اقساط، دیگر به مغازه‌اش مراجعه نمی‌کنند.

گزارش‌های یکی از وبسایت‌های خرید اقساطی نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۴، فروشگاه‌های آنلاین با همکاری پلتفرم‌های قسطی، فروش اقلامی مثل خشکبار، کنسرو و حتی کینوا را

به صورت قسطی افزایش داده‌اند. این اقلام که زمانی جزو خریدهای لوکس محسوب می‌شدند، حالا به لطف سرویس‌های قسطی به سبب خرید خانواده‌های متوسط هم راه پیدا کرده‌اند.

اما این دسترسی آسان به اعتبار، نگرانی‌هایی هم به دنبال دارد. برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که افزایش وابستگی به خرید قسطی ممکن است به «دام بدهی» منجر شود، جایی که خانواده‌ها برای تأمین نیازهای اولیه، مدام در چرخه اقساط گرفتار می‌مانند. اگر چه شاید خرید قسطی برای خانوارها نوعی فشار روانی به همراه داشته باشد، ولی نیاز به مصرف مواد اولیه اساسی، آنان را ناگزیر به این نوع خرید می‌کند. با وجود سختی‌های بازپرداخت اقساط، این روش به آنان کمک می‌کند تا حداقل نیازهای اولیه خانواده را تأمین کنند. این آمارها تأیید می‌کنند که مردم به دلیل راحتی و امکان خرید قسطی، بیشتر به سمت سوپرمارکت‌های آنلاین روی آورده‌اند.



پاتوقی برای همه؛ از اهل بازار تا درباریان
از معماری این حمام و کاربرد اصلی‌اش که بگذریم، باید به این نکته اشاره کنیم که حمام‌ها در دوران قاجار، نقش مهمی در زندگی اجتماعی مردم داشتند؛ در واقع نه فقط مکانی برای شست‌وشو، که محلی برای ملاقات‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای فرهنگی بودند. آن‌طور که در روایات و خاطرات گفته شده، در حمام نواب، مانند تمامی حمام‌های عمومی، بسیاری از مردم، برای انجام امور و دیدارهای شخصی خود، در اینجا همدیگر را ملاقات می‌کردند؛ آن‌قدر این موضوع در میان مردم جا افتاده بود که قیصر فیلم مسعود

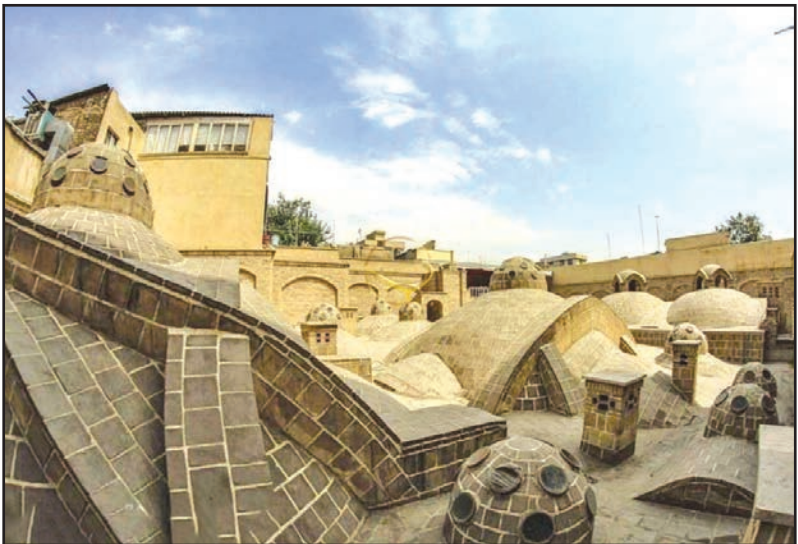


دام بدهی: خرید آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

است که چرخه بدهی شکل می‌گیرد: برای پرداخت قسط قبلی، باید بدهی جدیدی گرفت و این چرخه به سختی متوقف می‌شود.

ویژگی اصلی دام بدهی، همین وابستگی دائمی به اعتبار تازه است. خانواده‌ها هر بار فکر می‌کنند «این بار آخر است»، اما تورم و هزینه‌های زندگی، آن‌ها را دوباره و دوباره به سمت بدهی می‌کشاند. نتیجه آن است که بخش بزرگی از درآمد صرف پرداخت اقساط می‌شود و فرصت‌های دیگر زندگی از بین می‌رود. حتی ممکن است به نقطه‌ای برسد که خانواده نتواند اقساط را سر وقت بپردازد و اعتبارش را از دست بدهد. دام بدهی تنها فشار مالی ایجاد نمی‌کند؛ فشار روانی و احساسی آن هم کمتر از بار اقتصادی نیست. نگرانی دائم از موعد سررسید، اضطراب ناتوانی در پرداخت و احساس شرمندگی در برابر خانواده یا فروشنده، بخشی از تبعات این چرخه است. در نهایت، خرید قسطی می‌تواند یک راه‌حل کوتاه‌مدت برای پر کردن سفره‌ها باشد، اما اگر بدون برنامه‌ریزی و مدیریت مالی انجام شود، همین راه‌حل به تله‌ای تبدیل می‌شود که رهایی از آن بسیار دشوار است.

وقتی خانواده‌ای برای خرید برنج، روغن یا حتی یک بسته ماکارونی به سراغ خرید قسطی می‌رود، در ظاهر همه چیز ساده به نظر می‌رسد. کالا همان لحظه به خانه می‌آید و پرداخت به آینده موکول می‌شود. اما اگر همین روند ادامه پیدا کند، یک خطر خاموش در کمین است: خطری که اقتصاددان‌ها آن را «دام بدهی» می‌نامند. دام بدهی یعنی زمانی که اقساط خرد و کوچک، مثل دانه‌های برف روی هم انباشته می‌شوند و تبدیل به بهمنی بزرگ می‌شوند. خانواده‌ای که برای پر کردن سفره مجبور به خرید قسطی است، در ابتدا تنها بخشی از درآمدش را برای بازپرداخت اختصاص می‌دهد. اما وقتی در آمد ثابت بماند و هزینه‌ها بالا برود، همین قسط‌های کوچک سهم بیشتری از درآمد ماهانه را می‌بلعند. در این شرایط، پولی برای پس‌انداز یا هزینه‌های غیرمنتظره باقی نمی‌ماند. تصور کنید پدری کارگر با حقوق ثابت، هر ماه اقساط خرید برنج، لبنیات و چند قلم دیگر را پرداخت می‌کند. حالا اگر ناگهان بچه‌اش بیمار شود یا یک خرج پیش‌بینی نشده پیش بیاید، او مجبور است برای پوشش هزینه‌ها باز هم به سراغ اعتبار جدید بیفتد. اینجا همان جایی



گریبان حمام نواب را هم گرفت و سال‌ها بدون کاربری، به حال خود رها شد. تا اینکه در سال ۱۳۸۵، توسط سازمان میراث فرهنگی، با شماره ۱۶۲۲۵ در فهرست آثار ملی ثبت شد. پس از این ثبت، مورد توجه شهرداری منطقه ۱۲ قرار گرفت و به مرکز صنایع دستی شهر تهران تبدیل شد. حالا می‌توانید این یادگار فرهنگ عامه در دوران قاجار را، در محله عودلجان، خیابان ۱۵ خرداد شرقی، در کوچه بیک دامغانی (یا همان بازارچه حمام نواب سابق) ببینید؛ در بنایی که بر سر در آن نوشته شده: «خانه صنایع دستی و هنر حمام نواب.»

کیمیایی هم، در این حمام به دیدار کریم آب‌منگل رفت و تعقیب و گریزشان روی گنبدهای آجری بالاخانه حمام بود. در واقع، این حمام، در کنار کارگردان و سایر بازیگران، یکی از کاراکترهای اصلی و البته صامت بود که بخش قابل توجهی از فضاسازی فیلم را بر عهده داشت؛ در قدرت نقش آفرینی‌اش همین بس که در میان مردم به حمام قیصر شهرت یافت. این حمام، تا زمان پهلوی مورد استفاده مردم و حتی درباریان پهلوی بود تا اینکه با مدرن‌شدن منازل مسکونی و ساخت حمام‌های شخصی در خانه‌ها، حمام‌های عمومی از رونق افتاد و ایس‌بی‌روفتی،

تهران و کوچه هایش

شهرتی که خواهران نواب ساختند و به قیصر رسید

حمام نواب؛ فرهنگ ساز آجری تهران



الیه باقری سنجرنی
هفت صبح

زنان، همواره بخش قابل توجهی از تاریخ بودند؛ چه آنان که نامشان در نبردها و پادشاهی‌ها آمده و چه آن‌ها که در کسب و کار و تجارت فعال بودند. شاید از زنان تاجر شنیده باشیم اما احتمالاً هرگز به زنان حمام‌دار فکر نکرده‌ایم اما سارا سلطان خاتون و سارا هاجر خاتون، در اواسط دوره قاجار، در خیابان ری تهران، سکان حمام نواب را در دست داشتند. در آن زمان، از آنجا که حمام فقط مکانی برای نظافت نبود و به نوعی باتوقی برای دیدارهای اجتماعی و گفت‌وگوهای گروهی به شمار می‌رفت، توان مدیریت آن، بسیار مهم بود.

گذر حمام نواب در نقشه صفوی

در مورد تاریخچه ساخت این حمام، اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ عده‌ای بر این باورند که این بنا متعلق به اواخر دوره صفوی است و استادشان هم به نقشه قدیمی تهران در دوره صفوی و متعلق به سال ۱۲۷۵ هجری قمری است که نام گذر حمام نواب در آن به چشم می‌خورد. موضوع دیگری هم که این قدمت را تأیید می‌کند، لایه‌های گرمخانه حمام است؛ با لایه‌برداری از حمام، ۱۵ تا ۲۰ لایه آهکی به دست آمد که با توجه به تعداد آن‌ها، تخمین زده شد قدمت حمام

به اواخر دوره صفوی می‌رسد. نحوه تقسیم‌بندی فضاها و وجود عناصر معماری مخصوص دوره صفوی مانند سربینه، ورودی، هشتی، میان‌در، خزانه و گرمخانه و چال حوض فرشیه ساخت حمام در اواخر دوره صفویه را قوت می‌بخشد. برخی دیگر اما حمام نواب را یکی از بناهای مهم دوره قاجار می‌دانند که به دستور میرزا علی خان نواب، یکی از معاونان دربار قاجار و توسط دخترانش، یعنی همان سارا سلطان خاتون و سارا هاجر خاتون، به‌طور عام‌المنفعه ساخته شده.

آنچه که مهم است، اینکه در تمام روایت‌ها، سکان داری این حمام به نام سارا سلطان و سارا هاجر گره خورده است.

معماری قاجاری روی بام حمام

حمام نواب مانند سایر حمام‌های عمومی، پایین‌تر از سطح زمین بنا شده بود تا هم از اتلاف حرارت و گرما جلوگیری شود و هم اینکه به آب قنات حاج علی‌رضا که از این منطقه عبور می‌کرده، دسترسی داشته باشد. این بنا، به سبب حمام‌های سنتی ایرانی، ساختاری چهارگانه، شامل پیش‌حمام، گرمخانه، سردخانه و حوض و همچنین سربینه، هشتی، رختکن و استخر چندضلعی نامنظم و خزانه داشته، با سکوهای دورتادور استخر. در تمام حمام‌های ایرانی، سقف سربینه معمولاً طاق‌های ضربی گنبدی شکل، مانند طاق‌های مساجد

